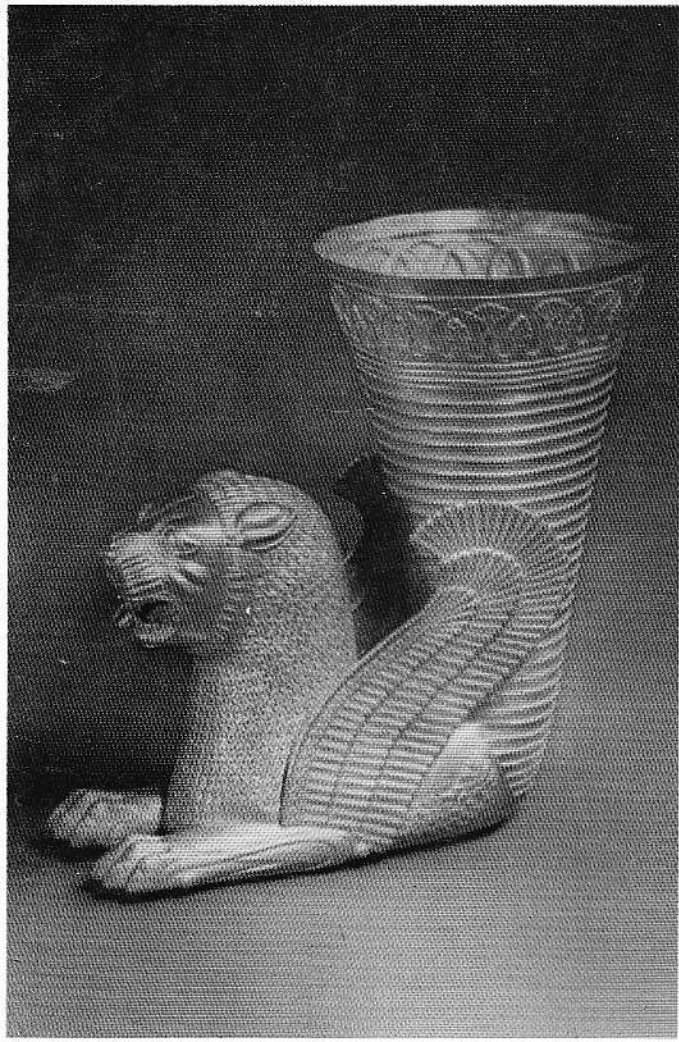
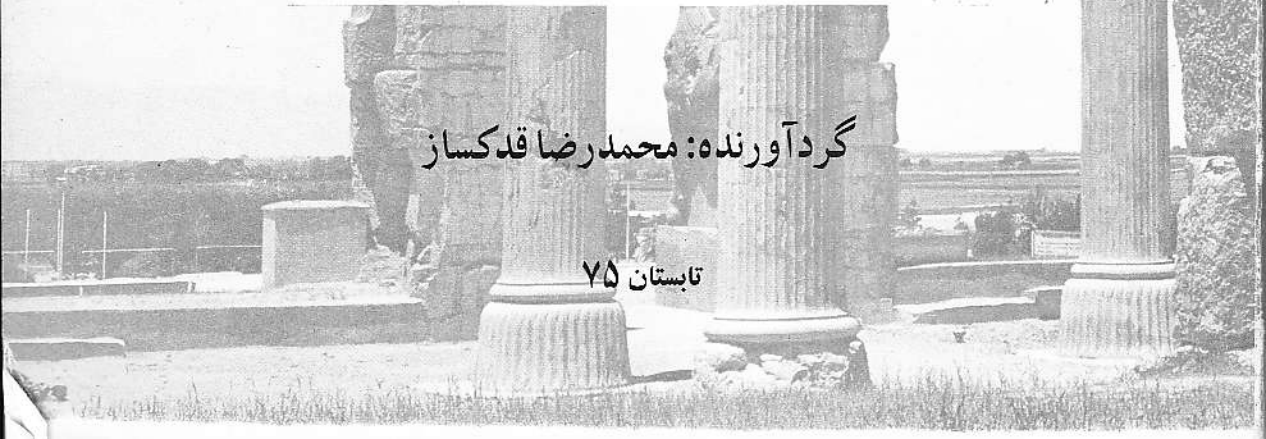


وجه تسمیه شهرهای ایران



گردآورنده: محمدرضا قدکساز

تابستان ۷۵



وجه تسمیه شهرهای ایران

گردآورنده: محمدرضا قدکساز

تاریخ و روش تحقیق

مؤلف: دکتر محمد رضا قدکساز

گرد آورنده: محمد رضا قدکساز

ناشر: انتشارات گل گشت

چاپ: اول، تابستان ۷۵

حروف چینی: مهناز مقامی علمی

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: پارت

براستی پیدایش شهر چگونه بوده؟ و یا اصولاً پس از پیدایش نام خود را از کجا و چگونه بدست آورده است.

پس از عقب‌نشینی دریاها، جلگه و دشت بوجود آمد و با ورود انسانها و هجوم حیوانات به جلگه و دشت شهر موجودیت یافت با ایجاد تحولات اقتصادی زندگی ابتدایی شروع شد و با تولید محصولات کشاورزی و دامداری وارد مرحله نوینی شده. " هزاره نهم تا هفتم ق. م " در این مرحله انسان یکجانشینی را اختیار نمود و دوره استقرار یا سکونت در دهکده‌ها را پیش‌گرفت در همین زمان انسان ایجاد سرپناه را آغاز نمود و گذشت زمان و بکاربردن مصالح ساختمانی، و ازدیاد محصولات و تولیدات مازاد بر مصرف مبادله محصولات بین مردم آغاز شد و باتوسعه بازارها و تجارت و ایجاد حکومت‌ها روستاها گسترش یافته و تبدیل به شهر شدند.

اهمیت نام در نامگذاری، ریشه، در اعتقادات فرهنگی و مذهبی هر قوم و طایفه دارد. امروز انسانها علاقمند به کشف علل نام‌گذاریهای رایج می‌باشند و مایلند بدانند که نام انسانها یا روستاها و شهرها بر چه اساس و رابطه‌ای نهاده شده است. از دیرباز محققین و مورخین سهمی در کشف ارتباط میان نام و مکان بوده‌اند، لذا در اکثر کتب تاریخی در مباحث مختلف نحوه نامگذاری اماکن مشاهده میگردد. کشف واقعیات این نامگذاری با توجه به گذشت سالیهای مدید و سیر تحولات تاریخی بسیار مشکل و در بعضی اوقات غیرممکن می‌گردد و چه تسمیه غالباً ذکر علت نامگذاری و یا تعریف نام برخی از شهرها و روستاهای کشور عزیزمان می‌باشد. لذا لازم است قبل از هرگونه توضیح و تعریف اسامی نکاتی چند را یادآور گردیم.

در کتب بوجود آمدن شهرهای مختلف را دلایلی چند ذکر کرده‌اند که از جمله میتوان به دلایل زیر اشاره نمود.

الف - شهرها اکثراً بر اثر گسترش روستاها پدید آمده‌اند که از جمله این شهرها می‌توان به شهر مهران اشاره نمود.

ب - امنیت نیز یکی از عوامل ایجاد شهرها می‌باشد، لذا شهرهایی که در پناه کوهها، دره‌ها و یا در مناطق جزیره‌ای احداث میگردد حکایت از توجه سازندگان و یا گسترش دهندگان آن شهر به امنیت شهر می‌باشد از این نمونه شهرها نیز می‌توان به شهر سنندج اشاره نمود.

پ - وجود راههای ارتباطی در گذشته و حال باعث توجه تجار و سوداگران به روستاهای حاشیه راهها می‌شده، لذا اکثریت شهرها در کنار جادهای اصلی ایجاد شده و گسترش می‌یافتند از شهرهایی که بدین صورت رشد یافته می‌توان به شهر دلیجان و یا آبادیه اشاره نمود.

ت - عامل مذهب و وجود بقاع متبرکه یکی دیگر از علل توجه مردم به اماکن بوده است شهرهایی بمانند مشهد مقدس و قم نیز از اینگونه بوده‌اند.

ث - وجود آب و یا رودخانه در هر نقطه از دیگر عوامل تجمع انسانها و گسترش شهر و شهرنشینی بوده، شهرهایی بمانند شوشتر و یا میاندوآب از این نمونه می‌باشند.

ج - عوامل اقتصادی چه تولید محصولات کشاورزی و یا وجود معادن - بازارها و یا کارخانجات نیز از زمینه‌های تجمع انسانها و گسترش روستا و تبدیل شدن آن به شهرها می‌باشد. از مهمترین شهرهایی که بنا به دلیل اقتصادی رشد یافته است می‌توان به شهر گرگان اشاره داشت.

ج - مسائل نظامی و ایجاد پادگانهای ارتش از دیرباز باعث جلب توجه مردم بخصوص سوداگران به آن مناطق می شده است. برای مثال استقرار ارتش اسلام در منطقه بصره امروز باعث مهاجرت گروهی از مردم ابله به بصره و تشکیل شهر بصره گردیده است.

خ - عوامل سیاسی و اداری نیز از دیگر علل ایجاد شهرها و گسترش آنها بوده است. شهرهایی بمانند تهران از اینگونه شهرها می باشد.

تغییر اسامی در کتب مختلف و به صورت مختلف مشاهده میگردد. با ورود اعراب به ایران و تحریف و معرب گشتن اسامی تغییراتی در نام مکانها و شهرها دیده میشود. همچنین گذشت زمان باعث مجهول ماندن علت بعضی از نامها شده است. وجود اعتقادات مذهبی و همچنین داستانها، اسطورهها و یا افسانهها و همچنین مسائل خاص سیاسی و تغییر حکومتها نیز باعث تغییر نامها و اسامی شهرها و اماکن گردیده است.

در پایان از کلیه صاحب نظران و محققین عزیز درخواست میگردد پیشنهادات و انتقادات خود را درخصوص این رساله و جهت رفع نواقص و اشتباهات اعلام تا به اصلاح معایب و تکمیل آن اقدام گردد. جهت آشنایی با اطلاعات جغرافیائی ذکر شده در متن توضیحاتی بشرح زیر جهت اطلاع خوانندگان ارائه می گردد.

۱- طول جغرافیائی

طول جغرافیائی هر نقطه از سطح زمین عبارت از قطعه فوسی است از دایره نیمگان یا استواء که بین نیمروز مبداء که همان نصف النهار گرینویچ و نیمروز مار بر نقطه سرور قرار گرفته باشد طول جغرافیائی هر نقطه برحسب واقع شدن آن در خاور یا باختر نصف النهار گرینویچ به طول شرقی و یا غربی تقسیم میگردد که اندازه هر کدام صفر تا ۱۸۰ درجه میباشد. ایران در طول شرقی قرار دارد.

۲- عرض جغرافیائی

فاصله نقاط مختلف سطح زمین نسبت به دایره نیمگان یا استواء زمین، عرض جغرافیائی نام دارد عرض جغرافیائی برحسب قرار گرفتن نقطه در شمال یا جنوب خط استواء به عرض شمالی و یا عرض جنوبی تقسیم میگردد. ایران در عرض شمالی قرار دارد.

۳- ارتفاع از سطح دریا

منظور ارتفاع هر نقطه از زمین از سطح دریای آزاد که همان اقیانوس آرام و هند میباشد.

۴- فاصله تا نزدیکترین نقطه

در این مبحث سعی گردیده در محدوده هر شهرستان فاصله محل مورد نظر تا مرکز شهرستان و در هر استان فاصله شهرستان مورد نظر تا مرکز استان و آنگاه فاصله مراکز استان با تهران محاسبه گردد.

۵- وسعت

وسعت هر شهرستان برحسب کیلومتر مربع اعلام میگردد از ذکر وسعت شهرها، بخشها و روستاهایی که خود تابع شهرستان خاصی می باشند خودداری میگردد.

آبادان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	عبادان
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۳ متر	وسعت:	۲۷۹۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۱۱۵ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

۱- بنای این شهر را به شخصی بنام عباد بن الحصین حبلی نسبت می‌دهند می‌گویند که زمین آبادان در دست حمران بن ابان غلام عثمان بوده است که در زمان حجاج ثقفی و سلطنت عبدالملک اموی نیز می‌زیسته است حمران این زمین را به عباد بن الحصین بخشید و وی و خانواده‌اش در این مکان اسکان یافتند. لذا نام شهر از نام وی اخذ شده و عبادان نام گرفت. در دوره رضاخان به آبادان تغییر یافت.

آبادانا

وجه تسمیه:

- ۱- به معنی جای مقدس است - پرستشگاه و عموماً در کاخهای هخامنشی و ابنیه باستانی به محلی که شاه در آن می‌زیسته اطلاق می‌شده است.
- ۲- در زبان سانسکریت به معنی جای استوار است و عموماً به بناهای محکم و سنگی و قلعه‌ها و کاخهای محکم آبادانا گفته‌اند.
- ۳- آبادانا کاخهای داریوش است در تخت جمشید، شوش و همدان.

آدران

نام استان:	تهران	نام قدیم:	آدریان
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کرج ۱۸ کیلومتر		
این روستا در مسیر چالوس واقع است			
وجه تسمیه:			

- ۱- آدران تخفیف یافته آدریان است و به مکانی گفته می‌شده است که زردشتیان در آن مکان آتشگاه ایجاد کرده و یا در آن آتشگاه وجود داشته است.
- ۲- آدریان روستائی نیز در نزدیکی خمینی شهر اصفهان می‌باشد.

آذربایجان

وجه تسمیه:

- ۱- این نام از کلمه آتورپات فرماده ایرانی ماد کوچک که بر علیه اسکندر قیام نموده گرفته شده است.
- ۲- آذربایجان مأخوذ از کلمه آذریا اثر به معنی آتش است و این نام گذاری را بمناسبت وجود آتشکده معروف شیز در این منطقه می دانسته اند.

آذرشهر

نام استان: آذربایجان شرقی
 نام قدیم: دهخوارقان
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۴۰ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: تبریز ۵۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- بعلت وجود مهاجمین و راهزنان نقل قول است که مردم آبادی و مهاجمین بایکدیگر در حال نزاع بوده و بر اثر این نزاع تلفات سنگینی وارد می گردد تا آنجا که تمام دیوارها خونین می شود و از این جهت به آن دیوارخونین گفته اند. کلمه دیوار خونین در اثر تحریف تبدیل به دهخوارقان گردیده است.
- ۲- نخجیرجان را اسم خزانه دار کسری پادشاه ساسانی می دانند و می گویند وی از اهالی این منطقه بوده است. لذا این روستا به نام وی معروف و بمرور زمان نخجیرجان به ده خرقان و ده خوقان و دهخوارقان تبدیل شده است.
- ۳- علت نامگذاری این بخش به آذر شهر وجود آتشکده نزدیک این شهر می باشد. امروز بقایای کمی از آن آتشکده باقی مانده است.
- ۴- در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی دهخوارقان به آذرشهر تغییر نام یافته است.

آران

نام استان: اصفهان
 فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۹ کیلومتر
 این بخش منطقه کویری شهرستان کاشان محسوب می گردد.
 وجه تسمیه:

- ۱- نام شهر از اسم آران بن قاسان فرزند بانی شهر کاشان گرفته شده است زیرا می گویند به دستور وی این مکان احداث گردیده شده است.

آرادان

نام استان: سمنان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: گرمسار ۱۴ کیلومتر
این روستا از بناهای اردوان پنجم یا اردشیر ساسانی است.
وجه تسمیه:

۱- آرادان را تحریف شده کلمه اردوان پادشاه اشکانی می‌دانند و می‌گویند که این روستا احتمالاً محل مرگ و یا مکانی است که روزگاری اردوگاه وی بوده است و یا اینکه بنا به دستور وی شهری در این محل برپا گردیده شده است.

۲- آرادان تغییر یافته کلمه رادان است و آرادان به معنی جایگاه مردان می‌باشد و چون مردم این منطقه بسیار جنگاور و شجاع بوده‌اند به این نام خوانده شده است.

آستانه شازند

نام استان: مرکزی
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اراک ۳۸ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- این منطقه آرامگاه ۴ تن از امامزادگان به نامهای سهل بن علی، طالب بن علی جعفر بن علی و فضل بن علی است و به علت وجود آستان مقدس و مرقد مطهر اینان به نام آستانه معروف و علت نزدیکی به شازند به این نام خوانده می‌شود.

آشتیان

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	ابرتجان
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۹۱ متر	وسعت:	۱۱۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۸۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

۱- نام این منطقه سابقاً ابرشتجان بوده که بعدها بصورت آشتیان و بعلمت اینکه اهالی حرف ج را به صورت خفیف بکار می‌بردند به صورت آشتیان در آمده است.

۲- در این منطقه آتشکده معروفی بوده است لذا به آن آشتیان گفته‌اند که در زبان پهلوی به معنی پرستشگاه و جایگاه قربانی می‌باشد.

۳- در اصل نام این شهر آشتیان می‌باشد که مراد پیروان آتش و آتشکده می‌باشد و بر اثر کثرت استعمال و تحریف کلمات آشتیان به آشتیان مبدل گشته است.

آستارا

نام استان: گیلان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۱۸۴ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۵۱ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۸ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۲- متر وسعت: ۳۳۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- بنای شهر را به آستارا همسر کیخسرو نسبت می دهند لذا به نام وی آن را آستارا نامیدند.
- ۲- به علت وجود مرداب و لجنزارهای این منطقه مردم در حین عبور به این منطقه آهسته رو می گفته اند که به مرور زمان به آستارا تغییر نام داده است.
- ۳- پس از عقب نشینی دریا از منطقه و ورود اقوام تالش به آن، به علت وجود تپه های شنی، برکه ها و مردابها و نیزارهایی که وجود داشته است در حرکت احتیاط لازم بود. لذا به یکدیگر سفارش آهسته رفتن یا آهسته رویی می کرده اند که در زبان محلی آسته رو گفته می شده است که به تحریف آستارا گفته شده است.

آستانه اشرفیه

نام استان: گیلان
 نام قدیم: کوچان
 طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۵۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۷ درجه و ۱۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۵- متر وسعت: ۳۸۴ کیلومتر مربع
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- نام کوچان به علت این گفته می شده است که مردم از دیگر نقاط به این منطقه کوچ کرده اند.
- ۲- به علت وجود آستان و مرقد مبارک و مطهر سید جلال الدین اشرف کوچان قدیم به آستانه اشرفیه تغییر یافته است.

آستانه شازند

نام استان: مرکزی
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اراک ۳۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- این منطقه آرامگاه ۴ تن از امامزادگان به نامهای سهل بن علی، طالب بن علی جعفر بن علی و فضل بن علی است و به علت وجود آستان مقدس و مرقد مطهر اینان به نام آستانه معروف و علت نزدیکی به شازند به این نام خوانده می شود.

آشتیان

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	ابرتجان
طول جغرافیائی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۹۱ متر	وسعت:	۱۱۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۸۵ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- نام این منطقه سابقاً ابرشتجان بوده که بعدها بصورت آشتیان و بعلت اینکه اهالی حرف ج را به صورت خفیف بکار می بردند به صورت آشتیان در آمده است.
- ۲- در این منطقه آتشکده معروفی بوده است لذا به آن آشتیان گفته اند که در زبان پهلوی به معنی پرستشگاه و جایگاه قربانی می باشد.
- ۳- در اصل نام این شهر آشتیان می باشد که مراد پیروان آتش و آتشکده می باشد و بر اثر کثرت استعمال و تحریف کلمات آشتیان به آشتیان مبدل گشته است.

آشوراده

نام استان:	مازنداران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	بندر ترکمن ۵ کیلومتر
------------	-----------	--------------------------	----------------------

وجه تسمیه:

- ۱- آشوراده را تحریف شده کلمه گامیش آده است که به معنی جزیره گاو میش است.
- ۲- از دو کلمه آشور و آده تشکیل می گردد آده به معنی جزیره و لذا کلمه آشوراده به معنی جزیره آشور است.
- ۳- آشوراده به معنی جزیره آشور است و آشور نام اولین شخص است که در این جزیره ساکن شده و به نام وی آنرا نام گذاری کرده اند.

آغاچاری

نام استان: خوزستان
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۲۹ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: بهبهان ۶۶ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- به علت اسکان قبیله معروف به آغ چهره که جهت قشلاق به این منطقه می آمدند نام آغ چهره یا آغاچاری یعنی محل رفت و آمد و اسکان آغ را بر این منطقه گذاشته اند.

آق قلعه

نام استان: مازندران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: گرگان ۱۵ کیلومتر
 نام قدیم: مبارک آباد
 وجه تسمیه:

۱- در این منطقه قلعه ای مستحکم وجود داشته و ترکمنها از آن استفاده می کرده اند لذا به آق قلعه به معنای قلعه سفید معروف شده است بعد از حمله قوای دولتی به عشایر و اسکان اجباری آنها در زمان رضاخان و تسخیر این قلعه نام این مکان به پهلویدر تغییر داده شد و پس از تغییر رژیم و استقرار نظام جمهوری اسلامی مجدداً به آق قلعه تغییر یافت.

آمل

نام استان: مازندران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۶۹ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۵۲ درجه و ۲۱ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۷۶ متر
 وسعت: ۲۸۰۳ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

۱- بنای این شهر را به آمله زن فیروزشاه نسبت می دهند. می گویند پس از احداث اولیه شهر به نام وی این مکان را آمله و سپس آمل خواندند.

۲- نام شهر را به زبان طبری آهوش گفته اند و هس و هل مرگ را گویند و کنایه از این نکته است که ترا هرگز مرگ مباد.

۳- آمل را تحریف شده آمارد می دانند. قوم آمارد ساکن در مازندران بوده است و می گویند مرکز زندگی آنان را آمارد و سپس آمالد و آملد و آمل خوانده اند.

آوه

نام استان: مرکزی

این شهر در حد فاصل ساوه و همدان قرار داشته است. این شهر امروزه وجود ندارد.

وجه تسمیه:

- ۱- اصل نام بصورت آبه بوده است و می‌گویند به مکانی که در نزدیکی دریای مرکزی ایران بوده گفته‌اند. این دریا بدستور کیخسرو و توسط بیژن خشک گردیده است.
- ۲- آبه به محلی گفته می‌شود که پس از خشک شدن دریاچه ساوه ساخته شده است لذا به آن آبه گفته‌اند که بعدها به آوه تغییر کرده است.

آهار

نام استان: تهران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- نام اصلی منطقه اوهر بوده است که به معنی آبادی است که آب فراوان برای احداث آسیا دارد. او به معنی آب و هر نیز به معنی آسیاست.
- ۲- آهار به معنی آسیاب آبی است در گذشته بدلیل وجود آسیابهای این منطقه به آن اطلاق می‌شده است.

ابرقو

نام استان: یزد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۱۴۰ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۵۳ درجه و ۱۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۱ درجه و ۷ دقیقه

وجه تسمیه:

- ۱- بدین جهت که بنای این شهر بر زمینی است که انتهای آن کوه قرار دارد به آن ابرکوه گفته‌اند.
- ۲- در زمان ساسانیان به مناسبت قرار داشتن این مکان بر بالای صخره‌های کوتاه آنرا ابرکوه نام نهادند و به مرور زمان و با ورود اعراب حرف ک به ق تبدیل شده و به ابرقو مبدل گشت.

ابوموسی

نام استان:	هرمزگان	وسعت:	۶۸/۸ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۵ درجه و ۲ درجه	عرض جغرافیائی:	۲۵ درجه و ۵۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۴۶ متر	وجه تسمیه:	

۱ - بابا اسم فارسی و به معنی نیا و پدر بزرگ و ریش سفید است و بابو اسم فارسی و به معنی پدر بزرگ قلندران و پیشوای ایشان است، اهالی معتقدند که نام اصلی جزیره ابوموسی باباموسی بوده است و بابا به مرور زمان به بابو و بوشده است عرب زبان بر سر بابوهمزه آورده لفظ فارسی بابو و بورا تبدیل به ابوی عربی به معنی پدر شدن، پدری کردن و غذا داده کرده و جزیره را ابوموسی خوانده اند.

ابهر

نام استان:	زنجان	نام قدیم:	اوهر
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۱۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۵۴۰ متر	وسعت:	۳۲۰۰ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زنجان ۹۴ کیلومتر	وجه تسمیه:	

۱ - ابهر از دو جزء آب و هر که به معنی آسیابست تشکیل یافته و بنظر می رسد که منظور آب و آسیابست.

۲ - در ابتدا اوهر بوده است که به معنی آبادنی است که دارای آب فراوان بوده و سپس بر اثر کثرت استعمال به ابهر تغییر شکل داده است.

ایبانه

نام استان: اصفهان
 ارتفاع از سطح دریا: ۲۵۰۰ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- نام ایبانه را تغییر یافته کلمه بیدانه به معنی جنگل بید می دانند.
- ۲- آیبانه را در ابتدا آب میانه می گفته اند یعنی مکانی که آب در میان آن جاری است که بمرور به ایبانه تغییر شکل داده است.
- ۳- ایبانه از دو کلمه آب یانه تشکیل شده است و اینرا به آن علت گویند که مهاجرین وقتی که به این نقطه رسیدند سراغ آب را از یکدیگر می گرفتند لذا به آب یانه و سپس آیبانه و ایبانه تبدیل شده است.

اراک

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	سلطان آباد
طول جغرافیائی:	۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۴ درجه و ۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۷۵۵ متر	وسعت:	۶۱۴۷ کیلومتر مربع
فاصله تانزدیکترین نقطه:	تهران ۲۸۸ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- شهر سلطان آباد در سال ۱۲۳۱ هجری قمری بدستور فتحعلیشاه قاجار و توسط فردی بنام یوسف خان گرجی بنا گردیده است هدف بانی موسس شهر احداث یک پایگاه نظامی بوده تا بتواند از این شهر کل مسائل نظامی و قشونی منطقه را تحت نظارت دائمی قرار دهد و در حقیقت قلعه سلطان آباد به منظور یک دژ جنگی و بنابر مصلحت سوق العیشی ساخته شده است. با ورود راه آهن سراسری در سال ۱۳۱۴ نام قلعه از سلطان آباد به اراک که نام ایستگاه راه آهن بود تغییر یافت.
- ۲- اراک کلمه فارسی عراق است و چون به این منطقه عراق عجم می گفتند بصورت فارسی اراک گفته اند.

اردبیل

نام استان:	اردبیل	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۸۸ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۱۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۶۳ متر	وسعت:	۴۸۶۱ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- بنای شهر را به دو پهلوان باستانی و افسانه‌ای نسبت می‌دهند که نام یک‌تن ارده و دیگری بیل بوده است نام این دو تن مجموعاً به شهر داده شده و اردبیل را ترکیب نام آن دو می‌دانند.

۲- بنای شهر را به اردبیل بن آرمین بن لئطی بن یونان نسبت می‌دهند لذا به نام بانی آن اردبیل نام گرفته است.

۳- نام شهر آرتاوایل بوده است که بمرور زمان به اردبیل تغییر یافته است. آرتا به معنی مقدس و ویل یا بیل به معنی شهر و مکان بوده که ترکیب آن معنی شهر مقدس می‌باشد. و علت را توسعه و تکوین آئین زرتشت در این شهر می‌دانند.

۴- از دو کلمه ارد + ویل تشکیل شده که اردنام روزیست و پنجم از هرماه و نیز نام یکی از فرشتگان زرتشتی است و به معنی قانونی و مقدس و متشرع است و ویل که ریشه بسیار کهنه آریایی دارد هنوز هم در زبانهای اروپایی استعمال می‌شود به معنی شهر است. لذا اردبیل تحریف شده اردویل یعنی شهر مقدس خواهد بود.

۵- گروهی می‌گویند آرتا به مرور زمان به ارد تغییر یافته است. لذا اردبیل همان آرتاوایل است.

اردکان

نام استان:	یزد	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	یزد ۶۰ کیلومتر
طول جغرافیائی:	۵۴ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۰۳۵ متر	وسعت:	۲۲۲۵۸ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- اردکان را از دو بخش ارد به معنی و مخفف ارده و کان معدن تشکیل می‌دانند لذا بعلت و فور تولیدات ارده این منطقه به این نام خوانده شده است.

۲- این منطقه را محل آسیابها دانسته‌اند زیرا محصولات مناطق مختلف را در این شهر آرد می‌کرده‌اند.

اردستان

نام استان: اصفهان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۸۰ کیلومتر
 طول جغرافیائی: ۵۲ درجه و ۲۲ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۲۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۲۰۵ متر
 وسعت: ۱۱۲۹۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱ - بعلت اینکه زمین آن سفید همچون آرد است به آن اردستان یا آردستان نام داده‌اند.
- ۲ - بنای آنرا به اردا موبد دوره اردشیر بابکان نسبت می‌دهند و می‌گویند محل زندگی اردا بوده است. همچنین می‌گویند که این موبد موکل آتشکدهٔ این محل بوده لذا به آن ارداستان یعنی مکان و محل اردا گفته‌اند.
- ۳ - از دو کلمهٔ اردیا ارت به معنای آتش و استان به معنای محل است و احتمالاً منسوب به آتشکده‌ای است که در این مکان وجود داشته‌است.
- ۴ - اردستان را تعبیر دیگری از ارزستان به معنی سرزمین انار و یا نارستان می‌دانند.
- ۵ - می‌گویند که مرکب است از دو کلمهٔ اردشیر و استان، معروف است که اردستان از بناهای اردشیر درازدست است و معنای آن استان و محل اردشیر بوده و بر اثر کثرت استعمال تبدیل به اردستان گردیده است.
- ۶ - اردستان را به معنی سرزمین مردم شجاع و غیور ذکر کرده‌اند.
- ۷ - اردستان از دو کلمهٔ مجزارد به معنی زیج نجومی و ستان بمعنی اسم مکان تشکیل یافته است می‌گویند در این شهر و در منزلهای قدیمی این شهر زیرزمینهایی مانند زیج وجود دارد.
- ۸ - آرد به معنی آسیا می‌باشد و به علت وجود آسیابهای فراوان به این محل اردستان گفته‌اند.
- ۹ - چون زمین اردستان از لحاظ نرمی مانند آرد بوده آنرا آردستان خوانده‌اند.
- ۱۰ - آرد را به معنی سپاه و نظام گفته‌اند و می‌گویند کنایه از مردم سپاهی و لشگری است یعنی محل و جای سپاه است.
- ۱۱ - مرکب از ارد و ستان یا استان است که ارد به معنای فرشتهٔ موکل بردین و مذهب و ستان به معنی محل است و چون اردشیر درازدست بانی اردستان از مروجین کیش زرتشت بوده آنجا را محل فرشتهٔ موکل بردین و مذهب تعیین نموده است.
- ۱۲ - بنای شهر را به دستان سام پدر رستم پهلوان افسانه‌ای نسبت می‌دهند و اردستان را تحریف شدهٔ کلمهٔ ارگ دستان است.
- ۱۳ - اردستان به ساختمان سنگی نیز گفته می‌شود همچنان که در تسمیهٔ پنجره‌های سنگی کاخ داریوش در تخت جمشید نیز بکار برده شده است.

اردشیرآباد

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

۱ - از بناهای اردشیرخان شبانکاره می‌باشد لذا به نام وی اردشیرآباد نامگذاری شده است.

ارونق - انزاب

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۶۷ کیلومتر

مرکز بخش: شبستر

وجه تسمیه:

۱ - ارونق - در لغت به معنی آفتاب‌گیر کوچک است و علت را وجود ارتفاعات می‌دانند که باعث می‌گردد آفتاب کمتری به آن برسد.

۲ - انزاب: در نزدیکی تبریز است و چون در کنار آب خوبی بوده آنرا بدین نام خوانده‌اند. معنی لغوی کلمه سرزمین کنار آب خوشایند است.

۳ - ارونق را گونی نیز می‌گویند که به معنی سرزمین آفتاب‌گیر است.

اقلید

نام استان:

فارس

نام قدیم:

کلیل

طول جغرافیائی:

۵۲ درجه و ۴۰ درجه

عرض جغرافیائی:

۳۰ درجه و ۵۴ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد:

۲۲۳۰ متر

وسعت:

۷۱۷۲ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

شیراز ۲۶۳ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - اقلید در زبان فارسی به معنی کلید است و می‌گویند که کلید بصورت معرب اقلید آمده است. اقلید را

کلید شهرهای فارس می‌دانند.

۲ - اعراب کلید را کلیل نامیده‌اند.

ازنا

نام استان: لرستان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: الیگودرز ۲۱ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- در اصطلاح محلی به دره تنگ پرییچ و خم می گویند. علت نامگذاری این منطقه نیز بخاطر کوهستانی بودن آن و پرییچ و خم بودن جاده‌ها و رودها و دره‌ها می باشد.

استوناوند

نام استان: تهران
وجه تسمیه:

۱- استو به معنی کانون و دودمان آتشدان است و استوناوند به معنی محل آتش مقدس که مکانی است در نزدیکی دماوند و نزدیک برکوه دماوند قرار دارد.

استهبان

نام استان: فارس
فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۸۶ کیلومتر
طول جغرافیائی: ۵۴ درجه و ۴ دقیقه عرض جغرافیائی: ۲۹ درجه و ۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۷۴۷ متر وسعت: ۲۷۳۰ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- نام این شهر از لغت سته به معنی انگور گرفته شده است و استهبان به معنای نگهبانان انگور و یا محل پرورش انگور است.

اسدآباد

نام استان: همدان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: همدان ۵۲ کیلومتر
طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۷ دقیقه عرض جغرافیائی: ۲۴ درجه و ۴۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۹۳ متر وسعت: ۴۸/۱ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- محل استقرار طایفه و قوم اسدبن ذی السرو الحمیری است که بدان سبب به نام بانی وی اسدآباد نامیده شده است.

اسفراین

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	میان آباد - مهرجان
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۱۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۲۰ متر	وسعت:	۵۳۴۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۱۱ کیلومتر		

وجه تسمیه:

- ۱- چون مردم این شهر همواره با خود سپر حمل می کردند به آن اسپر آئین گفته اند که بمرور زمان به اسفرائین و سپس اسفراین تبدیل شده است.
- ۲- این شهر را از بناهای اسفندیار پسر گشتاسب می نامند و نام اسفراین را از بانی آن اسفندیار گرفته اند.
- ۳- اسفراین را اسپر آئین دانسته اند که به معنی روش و عادت سپر و یا مکان و محل جنگاوران و آموزش نظام است که بمرور زمان به اسفراین تبدیل شده است.
- ۴- مهرجان معرب مهرگان است که از ماههای پائیز و از جشنهای ایران باستان بشمار می رود. بعلت هوای خوب و زمین مطلوب به این منطقه مهرگان گفته اند.
- ۵- بعلت قرار گرفتن این شهر در میانه راه نیشابور و گرگان به آن میان آباد لقب داده بودند.

اسفریز

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	خمینی شهر ۱۲ کیلومتر
این روستا از توابع خمینی شهر است.			
وجه تسمیه:			

- ۱- مرکب از دو کلمه اسپه + ریز است که به معنی جایگاه سپاه یا جایی که سپاه خیز باشد می باشد و اسپه معرب گشته و به اسفر تبدیل شده است.

اسکو

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تانزدیکترین نقطه: تبریز ۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - نام اصلی این منطقه اسکوئید بوده که بصورت اسکو تغییر یافته. این منطقه منسوب به سلوکیه می باشد.

اسلام آباد

نام استان:

کرمانشاه

نام قدیم:

هارون آباد - شاه آباد

طول جغرافیائی:

۴۶ درجه و ۳۲ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۴ درجه و ۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۳۳۵ متر

وسعت:

۵۰۱۹ کیلومتر مربع

فاصله تانزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵۹ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - بنای این شهر را به هارون از سرداران عرب می دهند و وی باعث عمران و آبادانی این شهر گردید لذا

به نام وی به هارون آباد معروف شده است.

۲ - در سال ۱۳۱۴ به شاه آباد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اسلام آباد تغییر نام داده است.

اشکذر

نام استان: یزد

فاصله تانزدیکترین نقطه: یزد ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - این شهر را از بناهای اشک بن زال نسبت می دهند و بنام وی این جا را اشکذر یعنی ساخته اشک

گفته اند.

۲ - از بناهای دوره اشکانیان می باشد لذا به آن اشک + ذر یعنی بنا شده اشک گفته اند.

اشکنون

نام استان: بوشهر

وجه تسمیه:

۱ - از بناهای اشکانی است لذا منسوب به آنان اشکنون نامیده شده است.

اشنویه

نام استان: آذربایجان غربی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اورمیه ۷۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- اشنویه به معنی گیاه خوشبو است که در فارسی به آن دواله می‌گویند. بعلت و فور این گیاه در منطقه به

این نام خوانده می‌شود.

اصفهان

نام استان:

اصفهان

نام قدیم:

جی - یهودیه

طول جغرافیائی:

۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۲ درجه و ۳۸ درجه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۵۷۵ متر

وسعت:

۲۰۵۸۷ کیلومتر مربع

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۴۱۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- جی به معنی پاک است و معرب کلمه گمی می‌باشد.

۲- گمی مخفف کلمه کی و کیان است که بصورت معرب تبدیل به جی شده است. گمی را محل پادشاهان

کیان می‌دانند.

۳- بنای شهر جی را به جی بن زراده داده‌اند لذا به نام وی شهرت یافته است.

۴- بنای این شهر را به سپاه گودرز بن کشواد می‌دهند. سپاه گودرز را می‌گویند که در این منطقه استقرار

یافته بود.

۵- بنای شهر را به اصفهان بن فلوج بن سام بن نوح نسبت می‌دهند.

۶- بنای شهر را به اصفهان بن فلوج بن لطنی بن یونان بن یافث بن نوح می‌دهند.

۷- این منطقه را قرارگاه سپاهیان می‌دانند لذا به آن اسپهان یعنی جمع سپاهان نام داده‌اند.

۸- نام منطقه از نام خانواده‌های فریدان که اسم آسیان داشته‌اند گرفته شده و به مرور زمان آسیان به

اسپاهان تغییر یافته است.

۹- اصفهان را معرب کلمه اسپاهان می‌دانند.

۱۰- اسپاهان به معنی مردم سپاهی است و چون مردم این منطقه جنگاور و آماده رزم بوده‌اند به این نام

خوانده شده است.

۱۱- می‌گویند که در زمان نمرود به اهالی منطقه جهت سوزاندن ابراهیم دستور دادند که هیزم جمع کنند

ولی اهالی امتناع کرده لذا به آنان اسپاه آن یعنی سواران خدا لقب دادند.

الموت

نام استان: تهران

فاصله تانزدیکترین نقطه: قزوین ۸۰ کیلومتر

ارتفاع از سطح دریا: ۱۹۵۰ متر

وجه تسمیه:

۱- الموت ترکیبی از دو کلمه ال + موت به معنی آشیانهٔ عقاب است و علت را احداث این قلعه بر بلندی و کوه می‌باشد.

الیگودرز

نام استان: لرستان

فاصله تانزدیکترین نقطه: خرم‌آباد ۱۵۴ کیلومتر

طول جغرافیائی: ۴۹ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۳ درجه و ۲۲ درجه

ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۹۸۱

وسعت:

۸۰۷۷ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

۱- این شهر را از بناهای گودرز پهلوان افسانه‌ای می‌دانند و می‌گویند که وی آل خود را در آنجا ساکن کرده و به نام وی آن محل را آل گودرز و سپس الیگودرز نام گذاشته‌اند.

املش

نام استان: گیلان

فاصله تانزدیکترین نقطه: لنگرود ۱۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- کلمهٔ املش دارای ریشه ترکی بوده و از آبلش و صولش که به معنی آبگیر است گرفته شده و بحرور زمان به املش تغییر نام پیدا کرده است.

اندیمشک

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	صالح آباد
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۰ متر	وسعت:	۳۲۰۶ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۳ درجه و ۲۷ دقیقه
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۱۵۵ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱- گویند طایفه‌ای از اعراب ایرانی به سرپرستی شیخ صالح به این نقطه آمده. و خانه‌هایی احداث کردند لذا به آن صالح آباد گفتند.

۲- در سال ۱۲۲۰ هجری قمری حاج صالح خان مکرری از طرف محمدعلی میرزای دولتشاه حکومت دزفول را بعهده داشت وی در نزدیکی‌های شهر لورکهن دهکده‌ای احداث کرد که به صالح آباد معروف گشت.

۳- پس از ایجاد راه آهن صالح آباد به اندیمشک تغییر یافت. علت نامگذاری به اندیمشک این بوده است که در گذشته‌های دور روبروی دزفول یعنی در مکانی که امروز پایگاه نیروی هوایی است شهری وجود داشته که به آن اندامشک می‌گفته‌اند لذا منسوب به آن، صالح آباد به اندیمشک تغییر نام داده است.

انوش آباد

نام استان:	اصفهان	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	کاشان ۱۳ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در زمان عبور یکی از بزرگان به نام انوش از این منطقه بعلت کویری بودن آن در کنار چشمه آب استراحت کرده و پس از استفاده از آن چشمه تصمیم به آبادانی چشمه و اطراف آن نمود لذا دستور داد که در آبادانی محل بکوشند. نام منطقه را به نام شخص فوق انوش آباد نام گذاشته‌اند.

اورامانات

نام استان:	کرمانشاه
وجه تسمیه:	

۱- اورامان یکی از سروده‌های دینی زرتشی است و بعلت گرایش افراد این منطقه در گذشته‌های دور به دین زرتشت به این نام خوانده شده است.

اورمیه

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	رضائیه
طول جغرافیائی:	۴۵ درجه و ۲ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۷ درجه و ۳۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۲۶۷ متر	وسعت:	۵۸۹۸ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۹۴۶ کیلومتر		

وجه تسمیه:

۱- در زبان کلدانی اور به معنی محل و میه به معنای آب است لذا به علت وفور آب به این منطقه محل آب لقب داده‌اند.

۲- می‌گویند بعلت اینکه آبادانی محل از آب است به این مکان آب آباد گفته‌اند زیرا اور به معنی آباد و میه به معنای آب است.

۳- اور به معنای مقدس است و میه به معنای آب است لذا آب مقدس لقب گرفته است.

۴- اورمیه نامی است آرامی و به مناطقی اطلاق می‌شده است که دارای میوه و نهر فراوان باشند.

۵- در حمله رومیان به این منطقه پس از تصرف این نقاط رومیها همه جارا به آتش کشیده و پس از این عمل از کرده خود پشیمان شده و به آنجا رومیه به معنای سوخته من لقب داده‌اند.

اوشان

نام استان: تهران فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۳۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- نام آن آب افشان بوده است و علت را بخاطر وجود آب زیاد ذکر کرده‌اند این نام بعدها بر اثر تحریف

اوشان شده است.

اهر

نام استان:	آذربایجان شرقی	نام قدیم:	ارسباران
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه و ۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۴۱ متر	وسعت:	۱۲۱۹۵ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۱۹ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- ارسباران به معنای کنار ارس و یا در ساحل ارس می باشد و علت آن است که رود ارس به این شهر نزدیک است.
- ۲- ارسباران به معنای این است که رود ارس این منطقه را مشروب می سازد به مانند زاینده رود و علت را این می نامند که رود ارس تمامی زمینهای این شهرستان را آبیاری می نماید.
- ۳- اهر در فرهنگ نامه ها نام درختی است از زبان گنجشک و گفته اند که به مناسبت فراوانی این درخت در این ناحیه به این نام خوانده شده است.
- ۴- واژه اهر را با هر و هور یکی می دانند و از آب زیاد و آسیاب گرفته شده است.

الشر

نام استان: لرستان
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: نورآباد ۴۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- افراد ساکن در منطقه به پرورش شتر مشغول بوده اند لذا به این منطقه نام شتر با پیشوند عربی ال داده اند و به الشتر نامیده اند.
- ۲- به نام اشتر به معنی چشم پاره معروف است زیرا در این منطقه چشمه های فراوان وجود دارد و از آن آب جاری است و لذا به مانند چشم پاره مرتب تراوش می کند.
- ۳- تغییر یافته نام ایشتر یکی از خدایان آشور است می گویند که این منطقه معبد مهمی برای خدایان آشور بوده است.
- ۴- در گذشته های دور بعلت وجود رصدخانه به آن محل اشتر گفته می شده است که بمرور تغییر به اشتر و با ورود اعراب به الشتر تغییر نام داده است.

اهواز

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	ناصری
طول جغرافیائی:	۴۸ درجه و ۴۱ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۲۰ متر	وسعت:	۱۰۵۵۶ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۸۸۱ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

- ۱- کلمه اهواز را تغییر یافته هرمز شهر و یا هرمزدار شیر می دانند که از بناهای اردشیر بوده است.
- ۲- اهواز جمع کلمه هوز است و هوز قوم ساکن در منطقه است لذا اهواز محل اقامت هوزیان است.
- ۳- هوز به معنی نیشکر و اهواز به معنی مکان نیشکر است بعلت وجود مزارع نیشکر در این منطقه به این نام خوانده شده است.
- ۴- اهواز به معنی خوب و خوش است.
- ۵- اهواز به معنی سرزمین ناهید است و معبد ناهید شمرده شده است.
- ۶- مرکب است از دو نام هرمز شیر و هرمشیر که دو شهر نزدیک این منطقه بوده است.
- ۷- در زمان ناصرالدین شاه قاجار و به دستور وی تأسیسات تجارتخانه و بندر در این شهر ساخته شد و لذا به نام ناصرالدین شاه آنجا را ناصری گفتند.
- ۸- بعضی از محققین ذکر کرده اند که اهواز به معنی ازبین رفته که از نوسرگیرد است و علت را این می دانند که این شهر در گذشته دارای اعتبار بوده و پس از ویرانی مجدداً آباد شده است.
- ۹- اهواز تغییر یافته نام اوزاهخامنشی است که به معنی شکرستان است.